

جایگاه سند در بازسازی تاریخ ایالات فاقد تاریخ‌نگاری

مطالعه موردی کرمانشاهان دوره قاجار

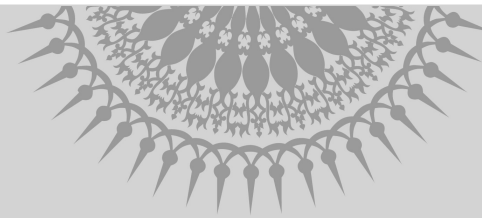
دکتر مطلب مطلبی

چکیده:

اولویت‌بخشی و اولویت‌دهی به منابع تاریخ‌نگارانه یکی از گرایش‌های عام در مطالعات تاریخی ماست. این رویکرد ارجحیت منابع کتابخانه‌ای بر دیگر سرچشمه‌های تاریخی را همچون یک اصل مسلم معرفت‌شناختی قلمداد می‌کند و دیگر سرچشمه‌ها و منابع استخراج حقیقت تاریخی را در حاشیه تبع و تحقیق تاریخی قرار می‌دهد. اما نقص و آسیب چنین رویکردی در شرایط فقدان، کمبود یا محدودیت منابع تاریخ‌نگارانه به‌وضوح پیداست. در این شرایط بازسازی امر تاریخی با اتکا به متون تاریخ‌نگارانه بسیار دشوار می‌نماید و چه بسا غیرممکن. اما در مواجهه با چنین وضعی چه باید کرد؟ نمونه موردی این مقاله یعنی «کرمانشاهان دوره قاجار» به‌خوبی نشان می‌دهد که مناسب‌ترین مواجهه با خلاء و فقدان منابع تاریخ‌نگارانه بهره‌گیری از اسناد و منابع آرشیوی است. کرمانشاهان دوره قاجار فاقد هرگونه سنت تاریخ‌نویسی محلی بود و در تاریخ‌های عمومی و محلی ولایات هم‌جوار نیز فقط اشاره‌های گذرایی به آن شده بود. در شرایط مذکور، منابع سندی مهم‌ترین و مناسب‌ترین جایگزین برای پژوهش پیرامون کرمانشاهان دوره قاجار است. نقش و جایگاه اسناد در بازسازی تاریخ مناطق فاقد تاریخ‌نگاری ابهام این پژوهش است که در این پژوهش سعی شده با روشی توصیفی-تحلیلی مورد‌آزمایی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

کرمانشاهان، قاجار، اسناد، تاریخ‌نگاری.



جایگاه سند در بازسازی تاریخ ایالات فاقد تاریخ نگاری

مطالعه موردی کرمانشاهان دوره قاجار

دکتر مطلب مطلبی^۱

مقدمه:

از دوره صفویه، کرمانشاهان همواره یکی از نواحی مهم سرحد غربی ایران بوده است. این ایالت از شمال به کردستانِ اردلان، از شرق به همدان، از جنوب شرقی به لرستان، از جنوب به خوزستان و از غرب به عثمانی محدود بود. با اینکه شهر کرمانشاه دارای سابقه دیرینه‌ای است، اما در دوره اسلامی تا اواسط دوره صفویه، تحت الشعاع شهرهایی چون دینور، حلوان و بیستون قرار داشت. بار دیگر در زمان صفویه بود که کرمانشاهان اهمیت و اعتبار یافت. در دوره سلطنت شاه طهماسب اول، حکومتی به نام کلهر و در زمان شاه صفی، حکومتی با عنوان سنقر و کلهر در این حدود وجود داشت که به خوانین زنگنه تفویض شده بود (روملو، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸۳؛ تتوی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۸). در حقیقت از این زمان، تجدید بنای کرمانشاه و تشکیل ایالت کرمانشاهان شروع شد. تا قبل از این تاریخ، اطلاق نام کرمانشاهان یا صورت‌های معرب آن منحصر به شهر کرمانشاه بود، از این دوره به بعد است که کرمانشاهان هم شهر و هم ایالت بزرگ‌تری را شامل شد.

محدوده جغرافیایی این ولایت از زمان صفویه تا اواخر دوره قاجار تقریباً به صورت یکسان ذکر شده است (روزنامه فرهنگ، ۳۰ ذی‌القعدة سال ۱۳۰۲، سال هفتم، ش ۳۲۴، ص ۲). جمعیت این شهر در اواخر قرن چهاردهم هجری «از قرار مقدار گندمی که خبازخانه‌ها صرف

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام،
کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد
و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
m.motalebi59@gmail.com



می‌نمایند ... قریب یکصد هزار نفر» (روزنامه فرهنگ، ۳۰ ذی‌القعدة سال ۱۳۰۲، سال هفتم، ش ۳۲۴، ص ۲) تخمین زده شده است.

با وجودی که کرمانشاهان یکی از ولایات مهم ایران شمرده می‌شد، اما از دوره صفویه تا دهه دوم قرن سیزدهم هجری، همچون سایر والی‌نشینان و حاکم‌نشینان حوزه غربی ایران تحت‌الشعاع والیان اردلان قرار داشت؛ حوزه نفوذ و تأثیرگذاری والیان اردلان به اندازه‌ای بود که حاکم‌نشینان این مناطق، برای استمرار حکمرانی خویش، سعی در نزدیکی و وابستگی هر چه بیشتر به آن‌ها داشتند. حمایت اردلان‌ها از حکام موجود یا یکی از مدعیان، در تثبیت یا زوال حکومت آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشت (سندجی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۰). این وضعیت با انتصاب محمدعلی‌میرزا به حکومت کرمانشاهان و سرحداری عراق از دهه دوم سده سیزدهم/نوزدهم صورت دیگری یافت. قرارگرفتن بخش زیادی از حوزه غربی و جنوب‌غربی ایران تحت قلمرو شاهزاده قاجار، کرمانشاهان را به‌عنوان مرکز نیروی سیاسی-نظامی غرب ایران درآورد. به‌طوری که در دوره حکمرانی محمدعلی‌میرزا (۱۲۲۱-۱۳۳۷)، (اعتمادالسلطنه، مرآه‌البلدان، ۱۳۶۷، ص ۸۷۲؛ خاوری‌شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۴۳-۵۴۴؛ خورموجی، ۱۳۴۴، ص ۱۷). کرمانشاهان مرکز ولایات لرستان و خوزستان هم بود. موقعیت جدید کرمانشاهان پس از فوت او برای مدتی دچار افول شد و نزدیک به سه دهه ولایات لرستان و خوزستان از حکومت کرمانشاهان منفک شدند و حتی خود ولایت هم از حوزه سلطنتی به قلمرو ولایتعهدی ضمیمه شد (سلطانی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۳). اما بار دیگر در اواخر دهه هفتاد قمری، حکومت لرستان ضمیمه قلمرو کرمانشاهان شد (اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، ۱۳۶۷، ص ۱۸۱۵؛ روزنامه دولت علیه ایران، پنج‌شنبه، ۱۲ رجب ۱۲۸۰، شماره ۵۵۲، ص ۳-۴). این اهمیت در دوره‌های بعدی هم استمرار یافت، به‌طوری که حتی پس از برچیده‌شدن خاندان اردلان در سال ۱۲۸۴ قمری، چندین نوبت کردستان نیز ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان شد (روزنامه ایران، سه‌شنبه ۲۶ شوال ۱۲۹۳، ش ۳۰۱، ص ۱؛ روزنامه ایران پنج‌شنبه، ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۹، ش ۷۶۱، ص ۳).

عدم شکل‌گیری سنت تاریخ‌نگاری محلی در کرمانشاهان

از دوره صفویه، کرمانشاهان یکی از نواحی مهم سرحدی ایران شمرده می‌شد. این موقعیت مهم سیاسی به‌تدریج حیات شهری را در کرمانشاه گسترش داد و حتی ارتقاء جایگاه اقتصادی و رونق کسب‌وکار و تجارت را نیز موجب شد. در دوره قاجار، به‌ویژه پس از انتصاب محمدعلی‌میرزا اهمیت کرمانشاه بیش از پیش شد. اما با وجود اهمیت کرمانشاه، در شرایط فقدان مراکز علمی و آموزشی کلاسیک و نبود سنت‌های قدرتمند مرتبط، علوم متداول به نضج و رشد قابل‌توجهی دست نیافت. این عدم رشد و توسعه به‌ویژه در عدم شکل‌گیری سنت



تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری به‌خوبی پیداست. هر چند حکمرانی کرمانشاهان در بیشتر دوره قاجار با محمدعلی‌میرزا دولتشاه و فرزندان وی بود و این ناحیه به نوعی به قلمرو خانوادگی آن‌ها تبدیل شده بود، اما نه‌تنها تاریخ‌نگاری در این ولایت رونقی نیافت بلکه در این دوره هیچ کتابی با هدف نگارش تاریخ کرمانشاهان نوشته نشد. این در حالی بود که ولایت هم‌جوار آن یعنی کردستان اردلان، در این دوره زمانی شاهد خلق بیش از ده اثر با هدف تاریخ‌نگاری بود.^۱ چرایی عدم شکل‌گیری سنت تاریخ‌نگاری در کرمانشاه، مستلزم یک بررسی عمیق تاریخی و بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی است که چنین موضوعی خارج از دستور کار این پژوهش است. در این میان سؤال اصلی این است که در شرایط فقدان منابع تاریخ‌نگارانه چگونه باید تاریخ کرمانشاهان را بازسازی کرد؟

شاید پاسخ نخست این باشد که لازم است از دیگر منابع «تاریخ محلی» بهره گرفت. البته هر چند نمی‌توان منکر لزوم بهره‌گیری از این تاریخ‌ها بود، اما تاریخ‌های محلی به‌ویژه تاریخ ولایات هم‌جوار، بنا بر سرشت این نوع از تاریخ‌نگاری که بیشتر مطالب آن‌ها مختص همان ولایت است و جز به‌ندرت و تناسب از ذکر حوادث دیگر ولایات پرهیز دارند، نمی‌توانند اطلاعات وافی در مورد کرمانشاهان به‌دست دهند.

«تاریخ‌های درباری» نیز حاوی برخی اطلاعات و داده‌های تاریخی هستند، اما باید اذعان کرد این اطلاعات بسیار پراکنده هستند. احتمالاً یکی از علل جسته‌وگریخته بودن این اطلاعات، اختلاف‌ها و رقابت‌های عباس‌میرزا ولیعهد و محمدعلی‌میرزا دولتشاه، پسران فتح‌علی‌شاه است. این اختلافات پس از مرگ آن دو، در خاندان آن‌ها هم برای مدت زمان طولانی ادامه یافت (جهانگیرمیرزا، ۱۳۲۷، ص ۱۳۱؛ سلطانی، ۱۳۷۳، ص ۳۰۷) و شاید همین امر و اطلاع مورخان درباری از این رقابت‌ها، آن‌ها را از پوشش حوادث و وقایع تحت قلمرو محمدعلی‌میرزا دولتشاه و فرزندان او که ممکن بود ناخشنودی عباس‌میرزا و یا فرزندان وی را در پی داشته باشد برحذر داشته است.

بنابراین در نبود تاریخ‌های محلی و منابعی که به‌شکل مستقیم به تاریخ این ولایت بپردازند و نیز فقر اطلاعاتی ایالت کرمانشاهان در دیگر تاریخ‌های هم‌زمان، در نگاه اول امید به انجام پژوهش در مورد جنبه‌های مختلف تاریخ این ولایت در دوره قاجاریه بسیار کم‌فروغ به‌نظر می‌رسد.

منابع اسنادی جایگزین منابع تاریخ‌نگاری

پرسش اصلی این است که چگونه باید فقدان مواد اطلاعاتی و کمبود حقیقت‌های تاریخی در ارتباط با تاریخ کرمانشاهان را جبران کرد و به بازسازی تاریخ این ولایت پرداخت؟ این

تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، تألیف شکرالله سنندجی (فخرالکتاب)؛ با مقابله و تصحیح، حواشی و تعلیقات به‌انضمام پنج مقاله درباره قبايل کرد از حشمت‌الله طیبی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶. تاریخ کرد و کردستان (و توابع)، تألیف محمد مردوخ‌کردستانی، سنندج: شوان: کانی کتیب، ۱۳۹۴. حدیقه ناصریه و مرآت‌الطفر، (جغرافیا و تاریخ کردستان): به‌قلم علی‌اکبر وقایع‌نگار کردستانی؛ به‌کوشش محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۷۹. زبده‌التواریخ سنندجی در تاریخ کردستان، ملامحمدشریف قاضی؛ به‌کوشش محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۷۹. سیرالاکراد، به‌قلم عبدالقادر ابن رستم بابانی؛ به‌کوشش محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۶۶. عشایر و ایلات و طوایف کرد، علی‌اکبر وقایع‌نگار کردستانی؛ به‌کوشش محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۸۷. لب‌التواریخ یا تاریخ اردلان، خسرو بن محمد بن منوچهر، انتشارات کانون خانوادگی اردلان، تهران، ۲۵۴۶. تذکره‌حدیقه امان‌الهی، میرزا عبدالله سنندجی، تصحیح و تحشیه عبدالرسول خیام پور، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، ۱۳۴۴. تاریخ‌الاکراد، مستوره اردلان، به‌کوشش جمال احمدی آئین، انتشارات آراس، اربیل، ۲۰۰۵.



فقدان در ادوار قبل از قاجار با بهره‌گیری از مانده‌های مختلف تاریخی اعم از کتیبه‌ها، سکه‌ها و منابع مکتوب تا حدودی قابل‌جبران است و چه بسا راهی جز توسل به این گروه از منابع امکان‌پذیر نباشد. اما در ادوار متأخر تاریخی، منابعی دیگر هستند که کار بازسازی تاریخی را در شرایط فقدان منابع اصلی تاریخ‌نگاری تا حدود زیادی تسهیل می‌سازند. در دوره قاجار و با وقوع تحولات مهم سیاسی، اقتصادی و فناوریانه، ایران همچون بیشتر ممالک از انزوای سده‌های میانه خارج شد. این خروج از انزوا باعث شد در گام نخست نظام اداری و سیاسی با وجود ماهیت سنتی آن، به سمت مدرن‌شدن روی بنماید، بازرگانان، دیپلمات‌ها و اتباع خارجی حضوری پررنگ‌تر از گذشته در ایران داشته باشند و محصولات نوین غرب همچون روزنامه و کتب چاپی به ایران آورده شوند. در کل باید گفت در این عصر دروازه‌های ایران محصور در سده‌های گذشته به‌روی جهان خارج بیشتر گشوده شود. بی‌گمان تبیین این تحولات مجالی بیشتر می‌طلبد، اما از نگاه پژوهشگر امروزی ثمره مهم این تحولات تولید حجم عظیمی از مدارک و منابع بود که امروز به منابع تاریخی تبدیل شده‌اند؛ به‌شکلی ایجازگونه باید گفت مدرن‌شدن نظام اداری و سیاسی باعث تولید حجم عظیمی از گزارش‌ها و نامه‌های اداری، در قیاس با ادوار قبلی شد، حضور اتباع خارجی، نگارش بسیاری از کتب، سفرنامه‌ها و خاطرات را موجب شد و انتشار روزنامه در ایران ثبت وقایع تاریخی را از حوزه وظایف مورخان سنتی خارج ساخت.

در میان منابعی که در نتیجه تحولات عصر قاجار تولید شدند، منابع و مدارک آرشیوی بیش از منابع دیگر واجد اهمیت هستند. باید گفت مدارک آرشیوی دارای اصالت و اعتبار بیشتری است زیرا هر سند اداری و دیوانی و هر فرمان و نامه رسمی که امروزه در دست است به زمان و رویدادی خاص و حقیقی بستگی داشته و در نتیجه رابطه مستقیم و طبیعی بین اثر و مؤثر موجود است. به‌علاوه، قضاوت‌ها و داوری‌هایی که درباره آن‌ها می‌شود و آنچه از محتوای آن‌ها استنباط می‌شود برخلاف متون قدیمی که دستخوش تغییر و تبدیل و شک و اصلاح بوده‌اند، بر پایه اعتبار و یقین و اصالت آن‌ها استوار است و چون برای حفظ روابط جامعه با دستگاه‌های اداری و حاکمه تهیه و تنظیم شده و می‌شوند کمتر دستخوش شایعه، دروغ، تظاهر، اغراض خصوصی و ملاحظه‌کاری هستند.

استفاده از اسناد برای بازسازی جنبه‌های مختلف تاریخ کرمانشاهان دوره قاجار علی‌رغم تمرکز جغرافیایی محدودش طیف گسترده‌ای از مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را پوشش می‌دهد. دسترسی پژوهشگران به حجم انبوهی از این اسناد با وجودی که این ایالت فاقد هر نوع اثر تاریخ‌نگاری در دوره مورد مطالعه است زوایای بسیاری از تاریخ این قسمت از ایران را روشن می‌سازد.

پژوهشگر کرمانشاهان دوره قاجار در نبود منابع کتابی، اسناد و منابع آرشیوی را به عنوان مهم ترین منبع رویدادها، وقایع و تحولات در اختیار دارد. نگاهی به اسناد موجود نشان می دهد که درباره حوزه معیشت، اقتصاد، کشاورزی، نوع و چگونگی مالکیت زمین های خصوصی، دولتی، وقفی کرمانشاهان منابع آرشیوی و اسناد اطلاعات منحصر به فردی وجود دارد. بررسی وضعیت ایلات و زندگی گروه های نیمه یک جانشین و یک جانشین و چگونگی ارتباط و پیوستگی آنها با ایلات قدرتمند، نوع معیشت، آسیب پذیری در مقابل تعدیات یا بلایای طبیعی از جمله موضوعاتی است که پژوهشگر می تواند با انتخاب یکی از آنها، نکات ریزی را که کمتر به آن توجه شده و روبه فراموشی است، بازسازی و تبیین کند (ساکما ۲۳۳۶۲-۲۴۰؛ ساکما ۲۵۴۳-۲۴۰؛ ساکما ۲۸۹۷۳-۲۴۰).

برای نشان دادن اهمیت اسناد در بازسازی جنبه های مختلف تاریخ این ولایت چند موضوع در ذیل مورد اشاره قرار می گیرد.

اسناد و اقتصاد ایلی کرمانشاهان

اقتصاد ایلی در ایلات کوچنده ایران اساساً بر دامپروری و تولید فرآورده های دامی نهاده شده بود و فعالیت های زراعی در میان آنان نقش ثانویه داشت. دام، سرمایه اصلی ایل، به ویژه کوچندگان به شمار می رفت و هر خانواده ایلی ناگزیر از حفظ و توسعه این سرمایه همگانی بود. تولید صنایع دستی نیز بخشی از وظایف روزانه خانواده عشایری، به ویژه زنان و مکمل فعالیت های دامداری و زراعت بود. توصیف بالا از فعالیت های اقتصادی عشایر در مورد ایل های کرمانشاهان هم مصداق دارد اما باید در نظر داشت که تفاوت هایی هم در ساختار اقتصادی عشایر با توجه به شرایط سیاسی و جغرافیایی آنها وجود دارد.

این تفاوت ها و جزئیات را در نبود سایر منابع مکتوب موجود، منحصراً در اسناد می توان یافت؛ برای مثال با استناد بر این اسناد متوجه می شویم که فعالیت های زراعی و باغی هم بخش قابل توجهی از اقتصاد ایلات کرمانشاهان را تشکیل می داد. فعالیت های زراعی و باغی مربوط به طوایف و تیره هایی از ایل بود که یک جانشین و یا نیمه کوچ رو بودند. در این میان طوایف کنوله ای و پریایی از ایل زنگنه، سردسیر و گرمسیر نداشتند و آنها به فعالیت های باغی مشغول بودند و کسب آنها میوه فروشی بود. آنچه در مورد این دو طایفه قابل توجه و ذکر است اینکه مالکیت زمین های کشاورزی که روی آن کار می کردند، مربوط به خود آنها بود. غیر از این دو طایفه، زمین های زراعی عثمان و ندها هم ملک شخصی آنها بود. در این میان طوایف دیگری در ایل زنگنه بودند که نه ملک و باغی داشتند و نه اینکه به سردسیر و گرمسیر می رفتند، بلکه شغل آنها رعیتی بود. طایفه کرابی زنگنه از این گونه بودند. در میان



ایل کلهر صیفی کاری و به‌ویژه شلتوک کاری رواج بیشتری داشت. در این میان محصول برنج گیلان غرب شهرت بیشتری داشته است «برنج گیلانی خیلی تعریف دارد و خرواری پنج هزار تفاوت نرخ آن با برنج‌های دیگر است» (کتابچه ایلات کرمانشاهان، نسخه خطی، ص ۲-۲۱). شرایط محیطی، نقش زیادی در تعیین نوع معیشت و شغل مردمان آن منطقه داشت. در یکی از بخش‌های دیگر کلهر که بیشتر زمین‌های آن دیم بود به دلیل فراوانی گون، شغل مردمان آن کتیرا فروشی بود و از این طریق معاش خود را تهیه می‌کردند (کتابچه ایلات کرمانشاهان، نسخه خطی، ص ۱۸).

کشت و زرع، نوع محصولات، صادرات و واردات محصولات، آفت‌ها، نوع زمین‌های زیر کشت و سایر موارد مرتبط از جمله مواردی است که در کتاب‌های تاریخی کمتر بدان پرداخته شده است و یا به اشارات گذرایی بسنده شده است. اما از آنجا که این موضوعات به‌صورت مستقیم به حکمران و ادارات دولتی به‌ویژه اداره مالیه ربط پیدا می‌کرد و هر یک از این موارد دارای نوع مالیات‌دهی خاصی بود و در شرایط استثنایی هم میزان پرداخت آن تغییر می‌کرد به‌صورت مفصل و مشروح در اسناد این دوره آمده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۹۹ بیوتات؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۲۳ بیوتات؛ ساکما ۵۴۴-۲۴۰). با رجوع به این دسته از اسناد بسیاری از جنبه‌های حیات مادی این منطقه تبیین می‌شود. در یکی از اسناد جمع‌وخرج ولایت کرمانشاهان مربوط به سال ۱۳۰۱ قمری، اطلاعات ارزشمندی از شیوه مالیات‌گیری، اسامی مالیات‌دهندگان، میزان مالیات‌ها و ... وجود دارد که این اطلاعات به‌ویژه در تبیین اوضاع اقتصادی آن دوره حائز اهمیت است (کتابچه جمع‌وخرج کرمانشاهان و محال، نسخه خطی).

اسناد و اوضاع سیاسی کرمانشاهان

کرمانشاهان به دلایل متعددی همچون هم‌مرزی با عثمانی، هم‌جواری با عتبات عالیات، قرارگرفتن در مسیر راه‌های تجاری و بازرگانی و ... دارای موقعیت سوق‌الجیشی ویژه‌ای بود. ثبات و برقراری امنیت این منطقه یکی از چالش‌های جدی دولت مرکزی و حکمران ولایت بود. در مورد نحوه ایجاد امنیت و نقش ایلات منطقه در این امر، میزان دخل و تصرف دولت مرکزی در ایجاد امنیت و ... اطلاعات وافری در اسناد دوره قاجار یافت می‌شود.

برای مثال، مشکلات امنیتی شهرهایی چون قصرشیرین و سرپل‌ذهاب که در معرض تجاوز ایلات عثمانی قرار داشتند و همچنین مناطق داخلی ولایت که هر بخش آن قلمرو یکی از ایلات عمده ولایت بود -ایل‌هایی که هر آن مترصد ضربه‌زدن به رقیب بودند- موضوعاتی دیگری است که حجم وسیعی از اسناد را به‌خود اختصاص داده است (آرشیو مرکز اسناد

وزارت امور خارجه، ۳ پ- ۲۶ ک-۱۳۲۶؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، پ ۷۰- ک ۱-۱۳۲۷؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱-۳۴-۱۳۱۶؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۲-۱۶-۱۳۹۶؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، پ ۹- ک ۱۱-۱۷-۱۳۲۵؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، پ ۱۰- ک ۱۵-۱۳۲۵؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه پ ۹- ک ۲۴-۱۳۲۶). اما مهم‌ترین مسئله‌ای که امنیت و ثبات کرمانشاهان را به چالش می‌کشید چگونگی تعامل و تقابل درون‌ایلی و برون‌ایلی بود که با تکیه بر اسناد آرشیوی در محورهای چندی قابل تقسیم‌بندی است:

- اختلافات ایلات کرمانشاهان با یکدیگر؛

- اختلافات درون‌ایلی؛

- اختلاف ایلات کرمانشاهان با ایلات قلمرو عثمانی.

اختلافات ایلات با یکدیگر

بیشترین نزاع و تصادم ایلات کرمانشاهان، با ایلات رقیب بود. ریشه منازعات و اختلاف ایلات کرمانشاهان بیشتر بر سر مرتع بود (روزنامه ایران سلطانی، ۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۱، سال پنجم و ششم، ص ۸). در مواقعی که نزاع بین دو ایل روی می‌داد، طوایف و تیره‌های کوچک‌تر در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌گرفتند، که بیشتر به‌شکل غارت از جانب ایل رقیب بود (روزنامه فرهنگ، پنج‌شنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۰۴، سال دهم، ش ۴۱۴، ص ۲).

اما در برخی مواقع اختلاف بین ایل‌ها خود را در شکل رویارویی‌های مستقیم نظامی نشان می‌داد. در این مواقع یک یا چند ایل در مقابل ایل‌های دیگر جبهه‌گیری می‌کردند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸ پ- ۷۰ ک ۱-۱۳۲۷). در صورتی که تصادمات دو ایل ادامه می‌یافت و از زد و خوردهای کوچک خارج می‌شد، جبهه‌بندی‌ها شکل مشخص‌تری به‌خود گرفته و معمولاً هر یک از ایل‌ها با توجه به منافع خویش، در کنار یکی از طرفین قرار می‌گرفت (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸ پ- ۷۰ ک ۱-۱۳۲۷). این امر در مواقع خشکسالی و ظهور آفت شدیدتر می‌شد. در چنین مواقعی به‌دلیل هم‌جواری مراتع، منازعه سنجابی‌ها بیشتر با جاف‌های مرادی بود و کله‌رها با گوران‌ها برخوردهایی پیدا می‌کردند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات، گزارش امام‌قلی عمادالدوله). این امر بدان معنی نیست که دو ایل برای همیشه در کنار هم و یا علیه هم قرار می‌گرفتند. آنچه بیش از همه، جبهه‌گیری را مشخص می‌کرد، منافع ایل بود. برای نمونه در سال ۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۹ م. اختلاف‌ها و تصادمات ایل سنجابی با گوران‌ها منجر به جنگ این دو شد. در این میان احمدوند‌ها با هشتصد سوار به کمک و حمایت سنجابی برخاستند و ایل



کلهر به حمایت گوران‌ها برخاست. این جنگ در نهایت به شکست جبهه گوران-کلهر خاتمه یافت. آنچه مهم است حمایت احمدوندها از سنجابی و پذیرش آن از جانب سنجابی‌ها بود. زیرا احمدوندها تابعیت ایران را نداشتند. به نظر می‌رسد روابط و وابستگی ایلی و عشیره‌ای گذشته در قبال تابعیت، قدرتمندتر و پرجذبه‌تر بوده است (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸ پ-۷۰-ک ۱-۱۳۲۷).

اختلافات درون ایلی

اختلاف و نزاع‌های یک ایل به تقابل‌های برون ایلی منحصر نمی‌شد. بلکه نزاع‌های درون ایلی هم همواره وجود داشت. این نزاع‌ها بین طوایف روی می‌داد. به‌ویژه اگر این طوایف قدرتمند و مدعی ریاست بر ایل بودند ریشه‌دارتر بود و ممکن بود چند نسل ادامه یابد. نزاع طایفه خالدي با حاکمان وقت کلهر از این دسته بود. چنان‌که زین‌العابدین‌خان ایلخان کلهر، اسدخان رئیس طایفه خالدي را با طناب خفه کرده بود. دیری نپایید که زین‌العابدین به‌دست پسران اسدخان خالدي کشته شد. اختلاف بین این دو طایفه به‌رغم سازشی زودگذر مابین محمدعلی‌خان برادرزاده زین‌العابدین‌خان که حاکم کلهر شده بود و داودخان نوه اسدخان که به‌پیشکاری ایلخان انتخاب شده بود دوباره آغاز شد و از این رهگذر داودخان ریاست تامه ایل کلهر را به‌دست آورد (سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۶). اختلافات درون ایلی اگر به انشعاب منتهی نمی‌شد، معمولاً آن بخشی از ایل که ناراضی بود و توان مقابله را در خود نمی‌دید دست به مهاجرت می‌زد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرونده ۲۳۹۲۲-۲۴۰، راپورت وضعیت ایل گوران). در اثر همین نزاع‌های درون ایلی بود که برخی از طوایف و تیره‌های ایل کلهر از جمله خمان، بیگزاده‌های گیلان، طوایف سیاه سیاه، ایران را ترک کردند و در اطراف خانقین و مندلیج متوطن شدند (سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۶). کشمکش‌های داخلی ایل کلهر آن‌ها را عملاً به دو تیره مقابل هم قرار داده بود (روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۰، ش ۷۸۶، ص ۲). اختلاف‌های درون ایلی ممکن بود در نتیجه تقسیم مراتع یا دودستگی بر سر ریاست ایل بروز یابد؛ یا یکی از این موارد بهانه دیگری شود. چنین رویدادی در سال‌های ۱۵-۱۳۱۰ ق/ ۶-۱۸۹۲ م. برای ایل سنجابی روی داد (روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۰، ش ۷۸۶، ص ۲). زمانی که اختلافات درون گروهی منجر به زد و خورد می‌شد، معمولاً شکست‌یافتگان به پناه رئیس ایل رقیب می‌رفتند و از وی برای مقابله با ایل خود یاری می‌خواستند. چنین درخواست‌هایی معمولاً با پاسخ مساعد روبه‌رو می‌شدند. زیرا از یک طرف این امر به تقویت وی و تضعیف ایل مقابل می‌انجامید و از طرف دیگر غارت طوایف مقابل همواره وسوسه پر قدرتی بود. چنین نمونه‌هایی در ایل‌های کرمانشاهان به‌وفور دیده می‌شود.



(سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۴-۱۰۰). وقتی اختلاف به جایی می‌رسید که التیام‌پذیر نبود و همچنین بخش ناراضی از ایل توان مقابله را در خود می‌دید و یا اتحادی با ایل‌های رقیب به وجود آورده بود در این صورت ممکن بود که ایل جدیدی متولد شود. شکل‌گیری ایل سنجابی در اوایل قرن سیزدهم/ نوزدهم از این مقوله بود (مکری، ۱۳۲۶، ص ۵-۸۱).

اختلاف با ایلات عثمانی

بیلاق و قشلاق در دو طرف مرز و سکونت در نواحی سرحدی، موقعیت و جایگاه خاصی به ایلات کرمانشاهان نزد حکام داده بود. حتی‌المقدور سعی می‌شد امنیت مناطق تحت نفوذ به آن‌ها واگذار شود. بنابراین نقش ایلات در نظم و امنیت منطقه تحت نفوذ، قابل‌توجه و مؤثر بود. به‌ویژه این که آن‌ها مدت زیادی را در نواحی مرزی به‌سر می‌بردند و می‌توان گفت در این مناطق فقط نیروی مؤثر بودند. سعی دولت‌ها و حکام بیشتر مبتنی بر مدارا با آن‌ها بود. برای مثال، حکومت کرمانشاهان، نواحی قلعه‌سبزی را به سنجابی‌ها واگذار کرد و حتی در آنجا برای آن‌ها قلعه‌ای ساخت و حفظ سرحد را به آن‌ها واگذار کرد (ساکما ۲۳۹۲-۲۴۰، گزارش رئیس مالیه به وزارت مالیه، ۲۴ برج اسد ۱۲۹۹). مدارای دولت، جنبه‌های مالیاتی، سربازگیری و یا کمک و اعانت در مواقعی که متحمل ضررها و خسارت‌هایی از سوی همسایگان و یا بلایای طبیعی می‌شدند را نیز شامل می‌شد. مدارای حکومت ناشی از واقعیت‌های چندی بود؛ اینکه ایلات ساکن در نواحی مرزی در «محلّی سکنا دارند که اگر زور بر سر آن‌ها آورند، به‌زودی فرار کرده به خاک دولت عثمانی خواهند رفت لهذا باید به مدارا» با آن‌ها برخورد می‌شد (ساکما، آلبوم شماره ۲۳ بیوتات، گزارش سلطان مرادمیرزا به ناصرالدین‌شاه، ص ۱۴۴). دیگر اینکه ایلات و عشایر، در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و ادعاهای ارضی عثمانی همیشه نیروی مؤثری بودند و مشاوران آگاه و مطمئن برای زمامداران ایران قلمداد می‌شدند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۸۴-پ ۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، سواد کاغذ مشیرالدوله به سرحددار). از طرف دیگر، دولت عثمانی نیز به‌منظور جلب و جذب رؤسای عشایر همه‌گونه وعده و وعیدی به آن‌ها می‌داد تا بدین ترتیب و با جلب عشایر و ایلات، دسترسی خویش را به ادعاهای ارضی هموار کند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۸۴-پ ۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، سواد کاغذ مشیرالدوله به سرحددار ذهاب).

همان‌طور که ایل‌های تابع دولت ایران، بنا بر رسم دیرینه به سرزمین‌های عثمانی قشلاق می‌رفتند، ایل‌های عثمانی نیز دوره‌ای از سال را در سرزمین‌های ایران به‌سر می‌بردند. مهم‌ترین آن‌ها جاف‌ها و احمدوندها بودند (ساکما، آلبوم شماره ۴۶۶ بیوتات، گزارش حسام‌الملک به امین‌السلطان مورخ ۱۳۰۴، ص ۲). این آمد و شد ایلات فی‌نفسه مسئله‌ساز بود؛ بنابراین ایلات



این حدود علاوه بر زد و خورد‌های درون‌گروهی و زد و خورد با ایل‌های هم‌جوار با ایل‌های خارجی هم تصادمات مستمری داشتند.

بیشترین دل‌مشغولی ایلات کرمانشاهان، مرزهای غربی ایران بود که در طول روابط ایران و عثمانی مدام در تهدید و تیررس عثمانی بود. در این میان ایلات و عشایر یکی از موانع اصلی توسعه‌طلبی عثمانی‌ها بودند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۸۰ پ-۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، سواد کاغذ مشیرالدوله به کارپردازی بغداد). تجاوز و غارت‌های مرزی عثمانی‌ها در نواحی سرحدی کرمانشاهان از دو جانب صورت می‌گرفت. یکی از جانب عشایر و اشخاص بدون دخالت دولت و دیگر تجاوزهایی که نیروهای نظامی دو دولت به‌صورت رسمی در آن حضور داشتند. تجاوز از طرف اشخاص و عشایر عثمانی، با نهب اموال و مواشی رعایا به‌ویژه در روستاها و مردم یک‌جانشین همراه بود (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵۹ پ-۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگذاری کرمانشاهان). در چنین مواقعی مأمور سرحد سعی می‌کرد با کمک افواج کرمانشاهان حدود را از تخطی محفوظ بدارد (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۴۷ پ-۹-ک ۱۵-۱۳۲۵، گزارش بهرامی به وزارت خارجه).

گویا درگیری‌ها و غارت‌هایی که ایل‌های تحت تابعیت دو دولت ایران و عثمانی از یکدیگر داشتند، امر پذیرفته‌شده تلقی می‌شد و آن را خارج از اراده دولت مجاور می‌دانستند و یا شاید این نوع قتل و غارت‌ها بخشی از زندگی روزمره مردم سرحدنشین بود و دولت‌ها حل‌وفصل آن را به خود ایل‌ها واگذارده بودند و به‌عبارتی دیگر، امری خارج از کنترل دولت‌ها بود (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۸ پ-۳-ک ۱۵-۱۳۲۲، تلگراف از کرمانشاه به تهران، ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۸). یکی از مواردی که برخلاف میل و خواسته دو دولت روی داد، تصادم و برخورد دو ایل بنی‌ویس و سنجابی در سال ۱۳۱۶ق. / ۱۸۹۸م. درحوالی خانقین بود (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۱ پ-۱-ک ۳۴-۱۳۱۶، سواد مراسله به قائم‌مقام خانقین). ورود به قلمرو بیلاقی از جانب ایلات و عشایر مجاور و خوراندن علف‌چر از سوی آنان، از دلایل عمده بروز تصادمات بود. اگرچه دولت‌های ایران و عثمانی در شروع آن چندان نقشی نداشتند، با وجود این، چنین رویدادهایی، مستقیم یا غیرمستقیم آنان را وادار به واکنش می‌کرد. در نمونه بالا «دولت عثمانی از عسکر نظامیه و سوار ضبطیه و سوار عشایر، اجتماعی فراهم آورده، تجاوز حدود نموده به حمایت عشیره بنی‌ویس» و منازعه با سنجابی برخاست (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۹ پ-۱-ک ۳۴-۱۳۱۶، سواد مراسله کارگزاری خانقین به وزارت امور خارجه). دلیل اولیه منازعه ایل سنجابی و عشیره بنی‌ویس این بود که یک کاروان تجاری منسوب به ایل سنجابی به‌منظور آوردن خرما به مندلیج رفته بود. در مراجعت موردحمله عشیره بنی‌ویس قرار گرفت و تمام بار کاروان به همراه چهارپایان به تصرف آن‌ها درآمد.

به فاصله دو روز بعد همین عشیره بنی‌ویس به بهانه اینکه رومیان محمودخان سنجابی به میان محصول آن‌ها رفته به سر طایفه محمودخان سنجابی هجوم آورده دو گله گوسفند آن‌ها ... با روم آن‌ها نهب نموده به علاوه فیض‌الله‌خان پسر محمودخان را با چهار نفر دیگر مقتول کرده ... به این فقره اکتفا نکرده به سر طایفه شیرمحمدخان رفته ... شیرمحمدخان در مقام دفاع برآمده از طرفین چند نفر مقتول و متجاوز از ده دوازده رأس اسب و مادیان تلف شد (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۰-۱۰-۱۰ ک ۳۴-۱۳۱۶، سواد جواب به جواب مراسله قائم مقام).

تصادم ایل‌ها در درجه اول با هدف کسب غارت بود. مقاومت ایل موردت‌هاجم و یا تلاش برای استرداد کالاهای غارت‌شده و اقدام تلافی‌جویانه، تصادم بعدی را به دنبال داشت. در چنین مواردی نواحی روستایی، بخش‌های اسکان‌یافته یا نیمه‌اسکان‌یافته ایلات بیشترین آسیب‌ها را متحمل می‌شد. تجاوز احمدوندها و زنگنه‌های تابع دولت عثمانی به نواحی روستایی ایل کلهر از این موارد بود (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۵۲-۱۰-پ ۱۵ ک-۱۳۲۵، سواد مراسله مشیرالدوله به وزارت خارجه، ۳ شوال ۱۳۲۵). این تجاوز که منجر به قتل چند تن از کلهرها و غارت سبب رأس گاو و الاغ و اسباب و اثاثیه روستاهای چم‌امام و شکرآب شده بود، مراسله‌های متعددی از وزارت خارجه ایران به سفارت عثمانی را برای تنبیه متجاوزین و استرداد اموال مسروقه به دنبال داشت، که نه تنها به جایی نرسید (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۵۵-۱۰ پ-۱۵ ک-۱۳۲۵، سواد تلگراف از کرمانشاهان به تهران، ۲۱ رجب ۱۳۲۵). بلکه به فاصله کوتاهی پس از آن مجدداً غارت کلهرها تکرار شد (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۵۱-۱۰ پ-۱۵ ک-۱۳۲۵، تلگراف از کرمانشاهان به تهران، ۱۰ شوال ۱۳۲۵). این تهاجم‌ها و غارت‌ها منحصر به ایل‌های کرد رقیب نبود. بلکه عشایر عرب در مواقع ییلاق و قشلاق ایل‌های کرمانشاهان به مناطق ایشان، دست به غارت آن‌ها می‌زدند. چنان‌که عشایر بنی‌دلس و ربیعه در سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۶ م. احشام سنجابی‌ها را غارت کردند و نزدیک به شش هزار گوسفند آن‌ها را بردند. تلاش حاکم کرمانشاهان، فرمانفرما، برای استرداد گوسفندهای غارت‌شده ایل سنجابی، از طریق وزارت خارجه و کنسولگری‌های ایران در بغداد و سفارت عثمانی به جایی نرسید؛ تا اینکه ایل سنجابی در سال بعد به مراتع عشایر بنی‌دلس و ربیعه رفته و تعداد زیادی از گوسفندهای منهوبه سال قبل را از مراتع آن‌ها کوچ داده و به میان ایل خود آورد. اقدام سنجابی‌ها مورد اعتراض والی بغداد و مأموران عثمانی واقع شد و حتی مأموران عثمانی قول دادند در صورت همراهی و مساعدت، حسام‌الملک^۱، حاکم کرمانشاهان در استرداد احشام از سنجابی‌ها، مساعدت ویژه‌ای در مورد زوار ایرانی به عمل آورند، اما تلاش آن‌ها به جایی نرسید (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳-۴ پ-۱۷ ک-۱۳۲۴). غارت احشام و اغنام ایل‌ها و

۱. زین‌العابدین‌خان حسام‌الملک دوم، بار سوم- از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ ق.



طوایف مجاور سردرازی داشت. این وضع بیشتر در بین ایل‌ها و عشیره‌هایی که هر یک تابعیت یکی از دولت‌های ایران و عثمانی را داشتند، مشاهده شده است. غارت احشام معمولاً بدون خونریزی صورت نمی‌گرفت، خونریزی‌ای که قربانیان آن بیشتر شبانان و نگهبانان بودند و این امر مقدمه‌ای می‌شد برای کشمکش و برخوردهای بعدی.

به‌وجودآمدن چنین وضعی بالطبع منحصر به دو ایل و یا عشیره متنازع نمی‌ماند و به بی‌ثباتی کل منطقه می‌انجامید. از آنجا که ایل‌ها و عشایر، نواحی مرزی را در دست داشتند و جاده‌های تجاری و بازرگانی از مناطق قلمرو آن‌ها می‌گذشت، بی‌ثباتی و نزاع آن‌ها بر معادله‌های داخلی و خارجی تأثیر مستقیم داشت و موجب تنزل درآمدهای حاصله از راهداری و گمرک می‌شد. در سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۶ م. یک دسته از اعراب مسلح در نواحی مرزی سومار به احشام ایل کلهر دست برد زد و نزدیک به ۵۰۰ رأس گوسفند ایل کلهر را غارت کرد. در جریان امر دو نفر از کلهرها کشته و دو نفر اروپایی نیز مجروح شدند. این واقعه سبب بی‌ثباتی کل منطقه شد تا جایی که افراد مشغول در گمرک سومار محل کار خویش را ترک کردند و به ایوان عقب نشستند. در گزارشی که در این باب موجود است ضمن توصیف جریان امر، از مسئولین با تأکید درخواست شده است: «در این کار همراهی نمایند چون به کلی ایاب و ذهاب ... از ایالت سومار و ایوان قطع» شده است و «بلاشک اگر وضع به این شکل باقی بماند واردات گمرکی تخفیف کلی خواهند نمود علاوه‌براین الحال موقع حمل خرماي ترکستان است» (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۶۷-۳ پ-۱۷ ک-۱۳۲۴). اما اگر این تهاجم‌ها و تجاوزها با همراهی نیروهای رسمی یکی از دولت‌ها همراه بود، موضوع به کلی متفاوت می‌نمود.

اطلاع از جزئیات و چگونگی تعامل ایلات این حدود که اصلی‌ترین بازیگران منطقه بودند فقط از طریق اسناد امکان‌پذیر است. در صورت نبودن این گزارش‌ها که زمانی صرفاً دارای ارزش اداری بوده‌اند امروزه ما از خیل عظیمی از این اطلاعات بی‌نصیب بودیم. در صورتی که در اختیار داشتن آن‌ها پژوهشگر را در تجزیه و تحلیل جنبه‌های گوناگون تاریخ این حدود یاری می‌کند و با پایه قرار دادن این اسناد و با اتخاذ رویکردی علمی جزئیات تاریخ آن دوره قابل‌بازسازی است.

مسئله قضاوت و چگونگی اجرای آن در بین طوایف متعدد یک ایل، چگونگی تعامل ایلات با یکدیگر، اختلاف ایلات کرمانشاهان با ایلات عثمانی، تعامل با حکمران و مأموران حکومتی، تعامل با ادارات حکومتی به‌ویژه اداره مالیه، اختلاف بر سر مراتع و ... از موارد دیگر است که گزارش‌های مشروح و مستمری از آن در دوره موردنظر موجود است (ساکما، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات؛ ساکما، آلبوم شماره ۴۴۶ بیوتات؛ ساکما، پرونده ۲۳۹۲۲-۲۴۰؛ ساکما، پرونده ۷۱۲۴-۲۴۰؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۳-ک-۲۴-۱۳۲۶؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه،

۱۰پ- ۱۵ ک- ۱۳۲۵؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، ۳پ- ۱۷ ک- ۱۳۲۴) که پژوهشگر با استفاده از این اسناد می‌تواند به ریشه‌یابی و زمینه‌های تعامل و تقابل درون‌ایلی، برون‌ایلی، و با ایلات عثمانی در هنگام یلاق و قشلاق بپردازد.

نتیجه‌گیری:

ولایت کرمانشاهان با وجود مرکزیت سیاسی که در غرب ایران و در دوره قاجار کسب کرد از جنبه تاریخ‌نگاری کاملاً از ولایات هم‌جوار عقب ماند به‌طوری‌که هیچ‌گونه کتابی با هدف نوشتن تاریخ در این ولایت نوشته نشد. در نگاه اول و در نبود منابع کتابی پژوهش در مورد جنبه‌های گوناگون تحولات این ولایت در دوره مورد مطالعه مبهم و نارسا می‌نماید. اما با استفاده از نوع دیگری از منابع، این موضوع صورت دیگری می‌یابد. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که هر چند در نبود منابع تاریخ‌نگارانه، پژوهشگر در امر بازسازی تاریخی با مشکل مواجه است اما با پایه قرار دادن اسناد بسیاری از این کاستی‌ها جبران می‌شود. حجم اسناد باقی‌مانده در دوره مورد مطالعه و همچنین حجم موضوعات مندرج در این اسناد، بسیاری از زوایای پنهان و تاریک تاریخ این ولایت را روشن می‌کند که در صورت فقدان اسناد ممکن بود برای همیشه پنهان بماند.

منابع

- اردلان، مستوره (۲۰۰۵). *تاریخ/لاکرد*. به کوشش جمال احمدی آئین. انتشارات آراس: اربیل.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح دکتر اسماعیل رضوانی. ج ۱. چاپ اول. تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *مرآة البلدان*. ج ۱ و ۲. تصحیح و حواشی: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- بابانی عبدالقادر این‌رستم (۱۳۶۶). *سیر/لاکرد*. به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
- تتوی، احمد بن نصرالله (۱۳۷۸). *تاریخ النبی. تاریخ ایران و کشورهای همسایه در سال‌های ۹۸۴ - ۱۵۰* هـ. تصحیح علی آل داود. تهران: فکر روز.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷). *تاریخ نو*. به اهتمام عباس اقبال. تهران: کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکاء.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*. تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- خورموجی، محمدجعفر بن محمدعلی (۱۳۴۴). *تاریخ قاجار: حقایق/لاخبار ناصری*. به کوشش حسین خدیوچم. تهران: کتابفروشی زوار.



- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). *احسن التواریخ*. تحشیۀ عبدالحسین نوایی. ج ۲. تهران: انتشارات اساطیر.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۳). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*. ج ۳. چاپ اول. تهران: مؤسسۀ فرهنگی نشر سها.
- سنندجی شکرالله (فخرالکتاب) (۱۳۶۶). *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*. تصحیح حواشی و تعلیقات به انضمام پنج مقاله درباره قبایل کرد از حشمت‌الله طبیبی. تهران: امیرکبیر.
- سنندجی، میرزا عبدالله (۱۳۴۴). *تذکره حقیقه امان‌الهی*. تصحیح و تحشیۀ عبدالرسول خیام‌پور. مؤسسۀ تاریخ و فرهنگ ایران: تبریز.
- قاضی، ملامحمدشریف (۱۳۷۹). *زبدۀ التواریخ سنندجی در تاریخ کردستان*. به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی
- کتابچۀ ایلات کرمانشاهان. نسخه خطی، کتابخانه و موزۀ کاخ گلستان. در جلد ۵ مجموعۀ ناصری.
- کتابچۀ جمع و خرج کرمانشاهان و محال. مرکز اسناد و کتابخانه و موزۀ مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی ۱۱۷۰۱۲.
- محمد بن منوچهر، خسرو (۲۵۳۶). *لب التواریخ یا تاریخ اردلان*. تهران: انتشارات کانون خانوادگی اردلان.
- مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۹۴). *تاریخ کرد و کردستان (و توابع)*. سنندج: شوان - کانی کتیب.
- مکرری، محمد (۱۳۲۶). *عشایر کرد*. طوایف سنجابی. مجلۀ یادگار. ش ۳۶.
- وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر (۱۳۸۱). *حدیثۀ ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان*. تصحیح: محمدرئوف توکلی. چاپ اول. تهران: انتشارات توکلی.
- وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). *عشایر و ایلات و طوایف کرد*. به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
- سنجابی، سردار مقتدر (۱۳۸۰). *ایلی سنجابی و مجاهدات ملی ایران*. تحریر و تحشیۀ کریم سنجابی. تهران: انتشارات شیرازه.

روزنامه‌ها

- روزنامۀ فرهنگ، ۳۰ ذی‌القعدة سال ۱۳۰۲، سال هفتم، شماره ۳۲۴.
- روزنامۀ دولت علیۀ ایران، پنج‌شنبه، ۱۲ رجب ۱۲۸۰، شماره ۵۵۲.
- روزنامۀ ایران پنج‌شنبه، ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۹، شماره ۷۶۱.
- روزنامۀ ایران، سه‌شنبه ۲۶ شوال ۱۲۹۳، شماره ۳۰۱.
- روزنامۀ ایران، چهارشنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۰، شماره ۷۸۶.
- روزنامۀ ایران سلطانی، ۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۱، سال پنجم و ششم.
- روزنامۀ فرهنگ، پنج‌شنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۰۴، سال دهم، شماره ۴۱۴.



اسناد و نسخ خطی

- ساکما، آلبوم شماره ۹۹ بیوتات.
- ساکما، آلبوم شماره ۲۳ بیوتات.
- ساکما، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات.
- ساکما، آلبوم شماره ۴۴۶ بیوتات.
- ساکما، پرونده ۲۳۹۲۲-۲۴۰.
- ساکما، پرونده ۷۱۲۴-۲۴۰.
- ساکما، پرونده ۵۴۴-۲۴۰.
- ساکما، پرونده شماره ۲۳۳۶۲-۲۴۰.
- ساکما، پرونده شماره ۲۵۴۳-۲۴۰.
- ساکما، پرونده شماره ۲۸۹۷۳-۲۴۰.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۲۴-۳ پ-۲۶ ک-۱۳۲۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸-۳ پ-۷۰ ک-۱-۱۳۲۷.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۰-۱-۰۱-۳۴-۱۳۱۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲-۱۶-۱۲۹۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۶۵-۱۶ پ-۹ ک-۱۱-۱۷-۱۳۲۵.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵۲-۱۰ پ-۱۰ ک-۱۵-۱۳۲۵.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱-۹ پ-۹ ک-۲۴-۱۳۲۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵۰-۱-۳۴-۱۳۱۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱-۳ پ-۳ ک-۲۴-۱۳۲۶.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵۱-۱۰ پ-۱۵ ک-۱۳۲۵.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۶۷-۳ پ-۱۷ ک-۱۳۲۴.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳-۴ پ-۱۷ ک-۱۳۲۴.

